

فارسی شکسته
دستور خط و فرهنگ املائی

امید طیب‌زاده
(پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

کتاب

تهران ۱۳۹۸

فهرست

پیش‌گفتار	هفت
مقدمه	۱
۱ پاسخ به چند سؤال رایج در مورد دستور خط و فارسی شکسته	۵
۲ دستور خط صورت‌های شکسته	۳۷
۱-۲ گونه‌های آزاد سبکی: تبدیل پسوند «ها»ی جمع به «ا»	۳۸
۲-۲ موارد شکسته مربوط به صیغه‌های فعلی	۳۸
۱-۲-۲ تناوب‌های سبکی شناسه‌های فعل در بن ماضی	۳۸
۲-۲-۲ تناوب‌های سبکی شناسه‌های فعل در بن مضارع	۳۹
۳-۲-۲ تناوب‌های سبکی بن مضارع فعل	۳۹
(۱) حذف بخشی از هجای پایانی و ادغام آن با هجای پیش‌پایانی: آمدن، خواستن، زایدن، ساییدن	۴۰
(۲) حذف بخشی از دو هجای پایانی و پیش‌پایانی و ادغام آن‌ها با هم: دادن، رفتن، شدن، گفتن	۴۰
(۳) حذف کامل هجای پیش‌پایانی: آوردن	۴۰
(۴) حذف بخش پایانه از هجای پیش از پیش‌پایانی: گذاشتن و نشستن	۴۱
(۵) حذف آغازه و قله از هجای پیش از پیش‌پایانی و ادغام آن با هجای قبل: انداختن	۴۱
(۶) تغییر مصوت بن مضارع به /o/ : جويدن، دويدن، سپاردن، شماردن، شنیدن	۴۱
(۷) تبدیل صامت /z/ در هجای پایانی به /t/ : جُستن، شُستن	۴۲

- ۴-۲-۲ موارد متفرقه: صورت‌های فعلی شکسته و شکسته‌تر: بایستن،
 ۴۲ وایستادن
 ۴۳ ۵-۲ صورت‌های شکسته ماضی نقلی
 ۴۳ ۳-۲ صورت‌های کوتاه‌شده پی‌بستی
 ۴۴ ۱-۳-۲ صیغه‌های پی‌بستی فعل ربطی بودن
 ۴۵ ۲-۳-۲ پی‌بست نقش‌نمای /-ro/ (یا /-o/) (بدل از را)
 ۴۷ ۳-۳-۲ پی‌بست‌های ضمیری (ضمایر متصل ملکی)
 ۵۰ ۴-۳-۲ پی‌بست‌های ضمیری پس‌از برخی از حروف اضافه: از، به، با
 ۵۱ ۵-۳-۲ پی‌بست قیدی /-æm/ (بدل از قید هم)
 ۵۱ ۶-۳-۲ پی‌بست قیدی /-a/ (بدل از قید تأکید ها)
 ۵۳ ۳ فرهنگ املائی صورت‌های شکسته
 ۵۵ ۱-۳ فرهنگ املائی سالم-شکسته
 ۶۳ ۲-۳ فرهنگ املائی شکسته-سالم
 ۷۳ منابع

۱ پاسخ به چند سؤال رایج در مورد دستور خط و فارسی شکسته

دیدگاه‌های بسیار متفاوتی دربارهٔ شکسته‌نویسی وجود دارد؛ مثلاً سید محمدعلی جمال‌زاده، که حقاً آغازگر گفتاری‌نویسی در داستان‌های فارسی بوده، شکسته‌نویسی را روشی افراطی در بیان محاوره دانسته‌است که مانع از درک صحیح و سریع گفت‌وگوها می‌شود (جمال‌زاده ۱۳۴۱: ۹۷)؛ جان اندرو بویل شکسته‌نویسی را جریانی نوظهور و طبیعی در ادبیات مدرن فارسی دانسته و کوشیده‌است تا توصیفی فنی و دقیق از مبانی واج‌شناختی آن به‌دست دهد (بویل ۱۹۵۲)؛ حسن کامشاد صراحتاً از شکسته‌نویسی سخن نمی‌گوید، اما تلویحاً از آن دفاع می‌کند و، هم‌چون بویل، شکسته‌نویسی را از نشانه‌های مدرنیته در داستان‌های فارسی می‌داند (۱۳۸۴: ۱۰۰)؛ پرویز ناتل خانلری (۱۳۵۳) و ابوالحسن نجفی (۱۳۹۰) و نادر ابراهیمی (۱۳۹۶) شکسته‌نویسی را شیوه‌ای کاملاً ناصحیح و حتی گمراه‌کننده و مضر برای زبان فارسی و برای بیان گفت‌وگوهای داستان‌ها و نمایش‌نامه‌های فارسی دانسته‌اند و البته متذکر هیچ توصیفی نیز از مسائل فنی آن نشده‌اند؛ احمد سمیعی (۱۳۹۱) شکسته‌نویسی را چندان مطلوب نمی‌داند، اما از زُمرهٔ نخستین دانشمندان ایرانی است که کوشیده‌است تا ویژگی‌های واجی و آوایی مربوط به صورت‌های شکسته را شرح دهد؛ منوچهر انور (۱۳۸۵) مدافع تمام‌قد شکسته‌نویسی است و، بی‌آنکه توصیفی فنی از شکسته‌نویسی عرضه کند، به انتقاد از مخالفان شکسته‌نویسی پرداخته‌است؛ علی صلح‌جو (۱۳۸۶)؛ (۱۳۹۱) ضمن پذیرفتن شکسته‌نویسی، بی‌آنکه توصیفی فنی از قواعد حاکم بر

آن به دست دهد، کوشیده‌است تا اصولی را برای ضابطه‌مند کردن آن در اختیار نویسندگان و مترجمان بگذارد؛ و بالاخره مهدی ایوبی و روزبه آزادی (۱۳۹۴)، بی‌هیچ بحثی دربارهٔ مسائل فنی و واج‌شناختی شکسته‌نویسی و نیز بی‌هیچ اشاره‌ای به آراء مخالفان و موافقان آن، دستور خطی را برای فارسی شکسته در ترانه‌ها و دیگر متون فارسی عرضه داشته‌اند. ما در این کتاب بیش از این از محققان فوق نام نمی‌بریم (خوانندگان برای شرحی مفصل از آراء هر یک از افراد فوق رجوع کنند به طیب‌زاده ۱۳۹۸)، اما در سؤال‌ها و پاسخ‌هایی که به دنبال می‌آید می‌کوشیم تا، به‌اختصار هرچه بیشتر، کلیهٔ موضوعات و آراء مهم دربارهٔ شکسته‌نویسی را معرفی و نقد کنیم و، درعین حال، نظر خودمان را شرح دهیم.

۱. چرا به دستور خط نیاز داریم؟

می‌دانیم که بهترین خط خطی است که اصطلاحاً واج‌نگار باشد، یعنی خطی که در آن هر نویسه فقط یک شکل داشته باشد، و مبین یک و فقط یک واج باشد، و هر واج نیز فقط و فقط با یک نویسه نمایش داده شود. خط فارسی از این حیث نه تنها خط ایده‌آلی محسوب نمی‌شود، بلکه ضعف‌ها و معایب بسیار دیگر هم دارد. بگذارید به برخی از عیب‌ها و کاستی‌های این خط به‌اختصار تمام اشاره کنیم: ۱) در خط فارسی گاه یک نویسه مبین بیش از یک واج است؛ مثلاً نویسهٔ «و» گاه مبین واج /w/ است (روز) و گاه مبین واج /o/ (خورشید) و گاه مبین واج /v/ (روان). ۲) گاه یک واج واحد با نویسه‌های متفاوت نمایش داده می‌شود؛ مثلاً واج /z/ گاه با نویسهٔ «ز» نمایش داده می‌شود (زمان)، گاه با نویسهٔ «ض» (ضبط)، گاه با نویسهٔ «ظ» (ظاهر)، و گاه با نویسهٔ «ذ» (ذرت). ۳) گاه نویسه‌ای مبین هیچ واجی نیست، مانند نویسهٔ «و» در خویش یا خواهر. ۴) گاهی برخی واج‌ها با هیچ نویسه‌ای نمایش داده نمی‌شوند؛ مانند مصوت‌های به‌اصطلاح کوتاه /a, e, o/ که غالباً با هیچ نویسه‌ای در کلمات فارسی نمایش داده نمی‌شوند (مانند سر که، در بیرون از بافت، هیچ معلوم نیست آیا سر است، یا سر یا سرا) و اتفاقاً همین یکی از بزرگ‌ترین ایرادات خط فارسی محسوب می‌شود. ۵) گاه از نویسه‌ای که مبین صامت است، برای نمایش مصوت استفاده

می‌شود، مانند «ه/ه» که از آن برای بیان حرکت /e-/ استفاده می‌شود، مثلاً در جامه، خانه، مژه. ۶) در این خط هر نویسه غالباً به دو یا چند صورت نوشته می‌شود، مانند نویسه «ب» که به اشکال گوناگونی چون «ب» و «ب» و «ب» و «ب» ظاهر می‌شود. این ایرادات به‌حدی است که دانشمندانی چون سعید نفیسی و ابوالحسن نجفی به فکر تغییر خط فارسی به خطی واج‌نگار افتادند، اما تقریباً تمام آنان نیز در نهایت کم‌وبیش به این نتیجه رسیدند که، گرچه این خط ایرادات بسیار دارد، و گرچه بی‌گمان با تغییر آن به خطی واج‌نگار پیشرفت‌های شگرفی در امر آموزش و پرورش و ادبیات فارسی به‌دست می‌آید، تغییر آن نه به‌صلاح است و نه به‌سادگی امکان‌پذیر!^۱

باری، این خط معایب بسیار دارد، اما باید دانست که به‌رغم تمام معایب آشکارش نه‌تنها هیچ ناتوان نبوده بلکه پهلوانی بوده که پیروزی‌های بسیار چشم‌گیری هم به‌دست آورده‌است؛ مثلاً همین خط از مهم‌ترین عوامل قوام گرفتن و گسترش یافتن زبان فارسی در قرون اولیه اسلامی بوده‌است؛ هم‌چنین ابزاری بوده‌است در خدمت شاعران بزرگی هم‌چون فردوسی و سعدی و حافظ تا بتوانند افکار عالی و زیبای خود را به‌کمک آن به‌خوبی بیان و ثبت کنند. از این‌ها گذشته، این خط به‌رغم تمام معایبش باز هم هزار بار از خط‌هایی چون چینی و ژاپنی کارآمدتر و بهتر است! ازسوی دیگر، همان‌طور که اشاره شد، پیوند ما با این خط چنان حیاتی و قدیم است که نه قدرت تغییر آن را داریم و نه به نفعمان است که دست از آن برداریم و تن به گسست فرهنگی عظیمی بدهیم که هیچ معلوم نیست عاقبتش چه خواهد شد.

اما رها کردن اندیشه تغییر خط مطلقاً به‌معنای رها کردن اندیشه اصلاح خط نیست! ما شاید نتوانیم این خط قدیم و ناکارآمد را از اساس تغییر دهیم و نظام نوشتاری جدید دیگری را جای‌گزین آن بکنیم، اما قطعاً می‌توانیم و باید در اصلاح آن و نیز معیار کردن یا یک‌دست کردن هرچه بیشتر آن بکوشیم، و موضوع

۱. استاد ابوالحسن نجفی بارها به بنده و بسیاری دیگر از شاگردان و دوستان نزدیکش به‌صراحت گفته بود که اگر خط فارسی به خطی واج‌نگار و لاتین مبدل بشود، دیری نخواهد گذشت که ادبیات داستانی فارسی جهان را فتح بکند! چند بار قرار شد ایشان دربارهٔ این موضوع سخنرانی بکنند، اما هر بار بنا به ملاحظاتی این سخنرانی‌ها برگزار نشد.